امام علی(ع) مردم را به اظهار نظر دعوت می‌کردند

هادی سروش

در حکومت امیرالمؤمنین(ع) افراد تندرویی وجود داشتند که در شمار شهروندان کوفی بودند و قبل از علی(ع) اظهار نظر می‌کردند و حتی بعد از اعلام نظر حاکمیتِ علوی نیز، اظهار نظر مخالف میکردند و بلکه توهین هم می‌کردند! ولی در تاریخ خبری از حبس و حصر آنان دیده نمی‌شود و بلکه بالعکس؛ امامِ عدالت و رهبرِ انصاف و مدارا – حضرت امیر(ع) – اجازه هیچ گونه تهدید و یا تعدی نسبت به آنان را به اصحاب خود نمیداد.

برخی از گزارشات تاریخ در این مورد خواندنی است و میتواند فاصله حکومتهای دینی کنونی را با حکومت علوی نمایان کند.

امیرالمؤمنین(ع) در یک نامه رسمی از مردم درخواست اظهارنظر کردند و بالاتر، اجازه اظهار نظر داده و فرمود: "اگر دیدید بد عمل میکنم به من انتقاد کنید و اعتراض کنید تا من جبران کنم." (نهج، نامه ۵۷ با استفاده از ترجمه استاد مطهری)

مهم اینست که به روایت ابن ابی الحدید در بحبوبه جنگ و شرائط امنیتی و فوق امنیتی آنان بر علیه فرماندهی کل نه تنها اظهار نظر میکردند بلکه بر علیه او شوریدند، ولی به حبس و قتل محکوم نشدند، بلکه امامِ عدالت – امام علی – ابن عباس را برای گفتگو و شنیدنِ اظهار نظرشان به سمت آنان مامور نمود.

وقتی امام علی(ع) از صفین به کوفه برگشت، خوارج از اظهار نظر پا فراتر گذاشتند و راه خود را جدا کردند و به طرف صحرای حروراء رفتند و این شعار توهین آمیز را تکرار می‌کردند: "لا حکم إلا لله و لوکره المشرکون، ألا إن معاویه وعلیاً اشرکا فی حکم الله"؛حکم و داوری فقط از آن خداست؛ گر چه مشرکان کراهت داشته باشند. به راستی که معاویه و علی در حکم خدا مشرک شدند!

چون مبنای حکومت حضرت امیر(ع) حبس به خاطر اظهار نظر نبود، بلکه صریحاً فرمود: "تا زمانی که خونی نریخته و یا مالی را غارت نکرده باشند، متعرض آنها نشوید." کسی معترض این جسارت کنندگان نشد.

خوارج با اینکه در بیرون کوفه اردو زده بودند، امّا پیوسته بین کوفه و حروراء درحال رفت و آمد بودند و موجب آزار مردم و تحریک آنها می‌شدند. و گاهی به مسجد می‌آمدند و با تکرار شعار «لا حکم الا لله» مسجد را بهم میریختند و یا به امام جسارت می‌کردند و می‌گفتند: "قاتله الله کافراً ما افقهه!" (نهج، ح/۴۲۰) اما با اینکه ادامه این وضع برای مردم بسیار خسته کننده و ملال آور شده بود و معترض بودند و به حضرت می‌گفتند: آیا از برخوردهای آنها خسته نشده‌ای؟ چرا به نابودی آنها اقدام نمی‌کنی؟، اما امیرالمؤمنین(ع) اقدام به تهدید و یا حبس نمی‌کرد.

جالب است؛ برخی از اظهار نظر عبور کردند و تا آنجا پیش رفتند و امام را تهدید میکردند و واکنش امام(ع) شگفت آور است! ابن اعثم نقل میکند؛در روز بیعت علی(ع) مردی مصری به او گفت: "ای ابوالحسن! ما بدین شرط با تو بیعت می‌کنیم که اگر چونان عثمان در میان ما عمل کردی، تو را بکشیم". علی پاسخ داد: آری!"(الفتوح/۲۴۶)

خلاصه؛ تاریخ هیچ‌گونه حبس و مشابه آن را برای صِرف اظهار نظر و نقد، نقل نکرده، و شهروندان در حکومت علوی بدون تهدید به حبس ۱۰ تا ۱۵ سال مبادرت به اظهار نظر داشتند و در اظهارنظرشان، از نقد و انتقاد و حتی مخالفت خودداری نمی‌کردند!

تولای علی

لافتی الا علی لاسیف الا ذوالفقار
قطب انوار حقیقت آمد از تقدیر عشق
آسمان هو هو زنان دف می‌زند از شوق عشق
بلبلان سرمست از پیمانه‌های نور عشق
عاشقان دیوانه حُسن و جمال روی او
چون که حق، نور ولایت در جهان تابنده کرد
یا علی، مولا مدد، آهنگ شوق ست و طرب
ذوالفقارش می زند بر جانِ بدخواهانِ زشت
شیر حق، شاه ولایت، حضرت مولا علی ست
با علی هر کس که باشد، بی نیاز از عالم است
کیست مانند علی، آن محرم اسرار یار
نور هستی شد تجلی از جمال کردگار
یعنی از آن کعبه ی حق، شد، حقیقت آشکار
چون علی آمد به دنیا در حریم ذات یار
سر دهند آواز ناب آن شهِ با اقتدار
پایکوبان در سرای عشق، مستان، بی‌قرار
از تولای علیّ مرتضی ، آن شهریار
آمده از پیش حق،آن دولت با افتخار
تا بیاندازد اساس نفس شَر، آن شهسوار
هر که گیرد دست او، باشد همیشه رستگار
از علی دارد بشر نزد خدایش اعتبار
لافتی الا علی لاسیف الا ذوالفقار

شهراد شاهرخی طهرانی

کارکردهای اخلاقی و تربیتی معیشت جامعه در نهج‌البلاغه

به مناسبت ایام ولادت مولای متقیان حضرت علی علیه‌السلام

سید علیرضا صفوی

بحث درباره نیازهای مختلف انسان‌ها در بین نحله‌های گوناگون فکری و صاحب نظران از جایگاه و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است به گونه‌ای که صاحبنظران رشته‌های انسان شناسی و روان شناسی، در هرم سلسله مراتب نیازهای انسانی، به نیازهای مادی مانند امنیت، عشق و تعلق، احترام به خود و خودشکوفایی اشاره نموده‌اند. از جمله نیازهای مادی می‌توان؛ غذا، آشامیدنی‌ها، خواب، اکسیژن، سر پناه و ازدواج را نام برد. یعنی خودشکوفایی متضمن برآورده شدن نیازهای قبلی می‌باشد. در میان میراث ارزشمند مسلمین نهج‌البلاغه، موقعیت برجسته‌ای دارد. این کتاب ارزشمند دربر گیرنده فرمایشات حضرت علی علیه‌السلام می‌باشد که به کوشش سید رضی رحمه‌الله علیه جمع‌آوری شده است.

شرایط اقتصادی، اجتماعی و... مردم در جاهلیت

امیر مؤمنان علیه‌السلام به عنوان دومین شخصیت عالَم، به زندگی دنیوی آبرومندانه و توام با رفاه و آسایش مردم اهمیت می‌دادند. ایشان در توصیف وضعیت اسفناک جامعه خویش در دوران جاهلیت، ضمن بر شمردن نقاط تاریک اعتقادی و اجتماعی به وضعیت نامطلوب اقتصادی نیز اشاره نموده و می‌فرمایند: «خداوند پیامبر اسلام، حضرت محمد صلی‌الله علیه و آله و سلم را هشدار دهنده جهانیان مبعوث فرمود تا امین و پاسدار وحی الهی باشد آنگاه که شما ملت عرب بدترین دین را داشته و در بدترین خانه زندگی می‌کردید. میان غارها، سنگ‌های خشن و مارهای سمی خطرناک فاقد شنوایی به سر می‌بردید. آب‌های آلوده می‌نوشیدید و غذاهای ناگوار می‌خوردید. خون یگدیگر را به ناحق می‌ریختید و پیوند خویشاوندی را می‌بریدید. بت‌ها میان شما پرستش می‌شد و مفاسد و گناهان شما را فرا گرفته بود»(خطبه ۲۶). نیز: «میوه درخت دنیا در جاهلیت، فتنه و خوراکش مردار بود. در درونش وحشت و اضطراب و بر بیرون شمشیرهای ستم حکومت داشت»(خطبه ۸۹).

عزّت و کرامت برجسته‌ترین رهاورد بعثت

امیر مؤمنان علیه‌السلام پس از توصیف وضعیت اعتقادی و اجتماعی و علی الخصوص اقتصادی مردم در جاهلیت به بیان رهاوردهای بعثت پرداخته و بر کرامت انسانی تأکید نموده‌اند.کرامت و عزّت در فرمایشات امام علی علیه‌السلام، توام با آسایش، رفاه، برکات، شادمانی و استواری امور اجتماعی می‌باشد. حضرت امیر مؤمنان علیه‌السلام در همین زمینه می‌فرمایند: «حال به نعمت‌های بزرگ الهی که به هنگامه بعثت پیامبر اسلام صلی‌الله علیه و آله و سلم بر آنان فرو ریخت، بنگرید که چگونه اطاعت آنان را با دین خود پیوند داد و با دعوتش آنها را به وحدت رساند! چگونه نعمت‌های الهی بال‌های کرامت خود را بر آنان گستراند و جویبارهای آسایش و رفاه برایشان روان ساخت! و تمام برکات آیین حق، آنها را در بر گرفت! در میان نعمت‌ها غرق گشتند و در خرّمی زندگانی شادمان شدند امور اجتماعی آنان در سایه قدرت حکومت اسلام استوار شد و در پرتو عزّتی پایدار آرام گرفتند و به حکومتی پایدار رسیدند. آنگاه آنان حاکم و زمامدار جهان شدند و سلاطین روی زمین گردیدند و فرمانروای کسانی شدند که در گذشته حاکم بودند و قوانین الهی را بر کسانی اجراء می‌کردند که مجریان احکام بودند، و در گذشته قدرت درهم شکستن نیروی آنان را نداشت، و هیچ کس خیال مبارزه با آنان را در سر نمی‌پروراند»(خطبه ۱۹۲).

سکوت علماء در مقابل شکم بارگی ستمگران و گرسنگی ستمدیدگان ممنوع!

امیر مؤمنان علیه‌السلام ضمن حساسیت در برابر معیشت مردم به گرسنگی ستم دیدگان توجه نموده و پذیرش مسئولیت حکمرانی را مبتنی بر آن دانسته و می‌فرمایند: «سوگند به خدایی که دانه را شکافت و جان را آفرید، اگر حضور فراوان بیعت کنندگان نبود و یاران حجّت را بر من تمام نمی‌کردند و اگر خداوند از علماء عهد و پیمان نگرفته بود که برابر شکم بارگی ستمگران و گرسنگی مظلومان سکوت نکنند مهار شتر خلافت را بر کوهان آن انداخته رهایش می‌ساختم و آخر خلافت را به کاسه اول آن سیراب می‌کردم آنگاه می‌دیدید که دنیای شما نزد من از آب بینی بزغاله‌ای بی‌ارزش‌تر است»(خطبه ۳). امیر مؤمنان علیه‌السلام پس از بیعت عمومی مردم و در روز دوم خلافت در سال ۳۵ هجری و در یک سخنرانی بر بازگرداندن بیت‌المال به صاحبان اصلی آن اشاره نموده و می‌فرمایند: «به خدا سوگند، بیت المال تاراج شده را هر کجا که بیابم به صاحبان اصلی آن باز می‌گردانم، گرچه با آن ازدواج کرده یا کنیزانی خریده باشند؛ زیرا در عدالت گشایش برای عموم است و آن کس که عدالت بر او گران آید، تحمّل ستم بر او سخت‌تر است»(خطبه ۱۵). ایشان یکی از حقوق مردم بر حکمرانان را تقسیم عادلانه بیت المال دانسته و می‌فرمایند: «ای مردم حق شما بر من آن که... بیت المال را میان شما عادلانه تقسیم کنم»(خطبه ۳۴). امیر مؤمنان علیه‌السلام پس از اینکه خبر جذب مردم دل بسته به دنیا با هدایا و پول‌های فراوان از طرف معاویه و پیشنهاد بخشش اموال عمومی به اشراف عرب و بزرگان قریش به جهت جلب نظر آنان و دست برداشتن از تقسیم مساوی بیت المال را شنیدند، فرمودند: «آیا به من دستور می‌دهید برای پیروزی خود از جور و ستم درباره امّت اسلامی که بر آن‌ها ولایت دارم استفاده کنم؟ به خدا سوگند تا عمر دارم و شب و روز برقرار است و ستارگان از پی هم طلوع و غروب می‌کنند هرگز چنین کاری نخواهم کرد! اگر این اموال از خودم بود به گونه‌ای مساوی در میان مردم تقسیم می‌کردم تا چه رسد که جزو اموال خداست! آگاه باشید! بخشیدن مال به آن‌ها که استحقاق ندارند، زیاده روی و اسراف است، ممکن است در دنیا مقام بخشنده آن را بالا بَرَد امّا در آخرت پست خواهد کرد، مردم ممکن است او را گرامی بدارند، امّا در پیشگاه خدا خوار و ذلیل است. کسی مالش را در راهی که خدا اجازه نفرمود مصرف نکرد و به غیر اهل آن نپرداخت جز آن که خدا او را از سپاس آنان محروم فرمود و دوستی آنها را متوجه دیگری ساخت پس اگر روزی بلغزد و محتاج کمک آنان گردد بدترین رفیق و سرزنش کننده‌ترین دوست خواهند بود»(خطبه ۱۲۶).

آبادانی شهرها و جلب رضایت مردم در عهدنامه مالک اشتر

عهدنامه مالک اشتر سندی بی‌بدیل برای حکمرانان علی الخصوص حاکمان مسلمین می‌باشد که در آن توجه به معیشت مردم و آبادانی جامعه مورد تأکید و اهتمام قرار گرفته است. این متن متقن، مسائل مهمی همچون اخذ مالیات و نبرد با دشمن را در کنار اصلاح کار مردم و آبادانی شهرها آورده، آسایش، رفاه و معیشت را قربانی امور دیگر ننموده است. چنان که امیر مؤمنان علیه‌السلام در ابتدای این نامه و خطاب به مالک اشتر می‌فرمایند: «بنام خداوند بخشنده و مهربان، این فرمان بنده خدا علی امیر مؤمنان به مالک اشتر پسر حارث است در عهدی که با او دارد، هنگامی که او را به فرمانداری مصر بر می‌گزیند تا خراج آن دیار را جمع آورد و با دشمنانش نبرد کند، کار مردم را اصلاح و شهرهای مصر را آباد سازد»(نامه ۵۳). امیر مؤمنان علیه‌السلام در همین نامه مردم را ستون‌های دین معرفی کرده و بر جلب خشنودی آنان سفارش کرده و می‌فرمایند: «دوست داشتنی‌ترین چیزها در نزد تو، در حق میانه‌ترین و در عدل فراگیرترین و در جلب

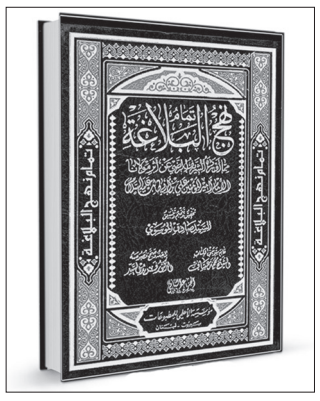

خشنودی مردم گسترده‌ترین باشد... که ستون‌های استوار دین و اجتماعات پر شور مسلمین و نیروهای ذخیره دفاعی، عموم مردم می‌باشند. پس به آنها گرایش داشته و اشتیاق تو با آنان باشد»(همان).

حقّ مشخص گروه‌های اجتماعی بر زمامداران

امیر مؤمنان علیه‌السلام در عهدنامه مالک اشتر وظایف زمامداران را نسبت به گروه‌های گوناگون اجتماعی بر مبنای قرآن و سنّت پیامبر صلی‌الله علیه و آله و سلم مشخص نموده و اصلاح قشرهای مختلف از جامعه را وابسته به اعطای سهم مشخص آن‌ها از جانب حاکمان دانسته و می‌فرمایند:«ای مالک بدان! مردم از گروه‌های گوناگونی می‌باشند که اصلاح هر یک جز با دیگری امکان ندارد و هیچ یک از گروه‌ها از گروه دیگر بی‌نیاز نیست. از آن قشرها، لشکریان خدا و نویسندگان عمومی و خصوصی، قضات دادگستر، کارگزاران عدل و نظم اجتماعی، جزیه دهندگان، پرداخت کنندگان مالیات، تجّار و بازرگانان، صاحبان صنعت و پیشه وران و نیز طبقه پایین جامعه، یعنی نیازمندان و مستمندان می‌باشند که برای هر یک خدا سهمی مقرّر داشته و مقدار واجب آن را در قرآن و سنّت پیامبر صلی‌الله علیه و آله و سلم تعیین کرده که پیمانی از طرف خداست و نگهداری آن بر ما لازم است»(همان). ایشان ضمن بر شمردن وظایف هر کدام از گروه‌ها به جایگاه آن‌ها در جامعه اشاره نموده و می‌فرمایند: «پس سپاهیان به فرمان خدا، پناهگاه استوار رعیت و زینت و وقار زمامداری، شکوه دین و راههای تحقّق امنیت کشورند. امور مردم جز با سپاهیان استوار نگردد و پایداری سپاهیان جز به خراج و مالیات رعیت انجام نمی‌شود که با آن برای جهاد با دشمن تقویت گردند و برای اصلاح امور خویش به آن تکیه کنند و نیازمندی‌های خود را بر طرف سازند. سپس سپاهیان و مردم جز با گروه سوم نمی‌توانند پایدار باشند و آن قضات و کارگزاران دولت و نویسندگان حکومتند که قراردادها و معاملات را استوار می‌کنند و آنچه به سود مسلمانان است فراهم می‌آورند و در کارهای عمومی و خصوصی مورد اعتمادند. و گروه‌های یاد شده بدون بازرگانان و صاحبان صنایع نمی‌توانند دوام بیاورند زیرا آنان وسائل زندگی را فراهم می‌آورند و در بازارها عرضه می‌کنند و بسیاری از وسائل زندگی را با دست می‌سازند که از توان دیگران خارج است. قشر دیگر، طبقه پایین از نیازمندان و مستمندانند که باید به آنها بخشش و یاری کرد. برای تمامی اقشار گوناگون یاد شده در پیشگاه خدا گشایشی است و همه آنان به مقداری که امورشان اصلاح شود بر زمامدار، حقّی مشخص دارند و زمامدار از انجام آنچه خدا بر او واجب کرده است نمی‌تواند موفّق باشد جز آن که تلاش فراوان نماید، و از خدا یاری بطلبد و خود را برای انجام حق آماده سازد و در همه کارها، آسان باشد یا دشوار، شکیبایی ورزد»(همان). حضرت علی علیه‌السلام وفاداری مردم نسبت به حکمرانان را در گرو تلاش زمامداران در نیکوکاری به رعیت دانسته و می‌فرمایند: «بدان‌ای مالک! هیچ وسیله‌ای برای جلب اعتماد والی به رعیت بهتر از نیکوکاری به مردم و تخفیف مالیات و عدم اجبار مردم به کاری که دوست ندارند، نمی‌باشد؛ پس در این راه آن قدر بکوش تا به وفاداری رعیت خوشبین شوی که این خوش‌بینی رنج طولانی مشکلات را از تو بر می‌دارد»(همان).

معیشت مردم و رابطه آن با سلامت اخلاقی و تربیتی

امیر مؤمنان علیه‌السلام پس از بر شمردن حقوق گروه‌های مختلف اجتماعی بر زمامداران به مسأله تامین معیشت جامعه و کارگزاران و ارتباط آن با سلامت اخلاقی و اعتقادی شان پرداخته و می‌فرمایند: «برگزیده‌ترین فرماندهان سپاه تو، کسی باشد که از همه بیشتر به سربازان کمک رساند و از امکانات مالی خود بیشتر در اختیارشان گذارد، به اندازه‌ای که خانواده هایشان در پشت جبهه و خودشان در آسایش کامل باشند، تا در نبرد با دشمن سربازان اسلام تنها به یک چیز بیندیشند. همانا مهربانی تو نسبت به سربازان، دل هایشان را به تو می‌کشاند و همانا برترین روشنی چشم زمامداران، برقراری عدل در شهرها و آشکار شدن محبّت مردم نسبت به رهبر است که محبّت دلهای رعیت جز با پاکی قلب‌ها پدید نمی‌آید و خیرخواهی آنان زمانی است که با رغبت و شوق پیرامون رهبر را گرفته و حکومت بار سنگینی را بر دوش رعیت نگذاشته باشد و طولانی شدن مدت زمامداری بر ملّت ناگوار نباشد»(نامه ۵۳). نیز: «پس از انتخاب قاضی، هر چه بیشتر در قضاوت‌های او بیندیش و آن قدر به او ببخش که نیازهای او بر طرف گردد و به مردم نیازمند نباشد»(همان). امیر مؤمنان علیه‌السلام روزی فراوان را موجب اصلاح جامعه و ایمن ماندن بیت‌المال از گزند دستبرد دانسته و می‌فرمایند: «سپس در امور کارمندانت بیندیش و... روزی فراوان بر آنان ارزانی دار، که با گرفتن حقوق کافی در اصلاح خود بیشتر می‌کوشند و با بی‌نیازی، دست به اموال بیت‌المال نمی‌زنند و اتمام حجتی است بر آنان اگر فرمانت را نپذیرند یا در امانت تو خیانت کنند»(همان). حضرت علی علیه‌السلام در عهدنامه مالک اشتر پس از بیان حق مشخص گروه‌های گوناگون اجتماعی و بیان رابطه بین معیشت و سلامت اخلاقی حاکمان و حاکمان دولت و نویسندگان حکومتند که قراردادها و معاملات را استوار می‌کنند و آنچه به سود مسلمانان است فراهم می‌آورند و در کارهای عمومی و خصوصی مورد اعتمادند. و گروه‌های یاد شده بدون بازرگانان و صاحبان صنایع نمی‌توانند دوام بیاورند زیرا آنان وسائل زندگی را فراهم می‌آورند و در بازارها عرضه می‌کنند و بسیاری از وسائل زندگی را با دست می‌سازند که از توان دیگران خارج است. قشر دیگر، طبقه پایین از نیازمندان و مستمندانند که باید به آنها بخشش و یاری کرد. برای تمامی اقشار گوناگون یاد شده در پیشگاه خدا گشایشی است و همه آنان به مقداری که امورشان اصلاح شود بر زمامدار، حقّی مشخص دارند و زمامدار از انجام آنچه خدا بر او واجب کرده است نمی‌تواند موفّق باشد جز آن که تلاش فراوان نماید، و از خدا یاری بطلبد و خود را برای انجام حق آماده سازد و در همه کارها، آسان باشد یا دشوار، شکیبایی ورزد»(همان). حضرت علی علیه‌السلام وفاداری مردم نسبت به حکمرانان را در گرو تلاش زمامداران در نیکوکاری به رعیت دانسته و می‌فرمایند: «بدان‌ای مالک! هیچ وسیله‌ای برای جلب اعتماد والی به رعیت بهتر از نیکوکاری به مردم و تخفیف مالیات و عدم اجبار مردم به کاری که دوست ندارند، نمی‌باشد؛ پس در این راه آن قدر بکوش تا به وفاداری رعیت خوشبین شوی که این خوش‌بینی رنج طولانی مشکلات را از تو بر می‌دارد»(همان).

معیشت مردم و رابطه آن با سلامت اخلاقی و تربیتی

امیر مؤمنان علیه‌السلام پس از بر شمردن حقوق گروه‌های مختلف اجتماعی بر زمامداران به مسأله تامین معیشت جامعه و کارگزاران و ارتباط آن با سلامت اخلاقی و اعتقادی شان پرداخته و می‌فرمایند: «برگزیده‌ترین فرماندهان سپاه تو، کسی باشد که از همه بیشتر به سربازان کمک رساند و از امکانات مالی خود بیشتر در اختیارشان گذارد، به اندازه‌ای که خانواده هایشان در پشت جبهه و خودشان در آسایش کامل باشند، تا در نبرد با دشمن سربازان اسلام تنها به یک چیز بیندیشند. همانا مهربانی تو نسبت به سربازان، دل هایشان را به تو می‌کشاند و همانا برترین روشنی چشم زمامداران، برقراری عدل در شهرها و آشکار شدن محبّت مردم نسبت به رهبر است که محبّت دلهای رعیت جز با پاکی قلب‌ها پدید نمی‌آید و خیرخواهی آنان زمانی است که با رغبت و شوق پیرامون رهبر را گرفته و حکومت بار سنگینی را بر دوش رعیت نگذاشته باشد و طولانی شدن مدت زمامداری بر ملّت ناگوار نباشد»(نامه ۵۳). نیز: «پس از انتخاب قاضی، هر چه بیشتر در قضاوت‌های او بیندیش و آن قدر به او ببخش که نیازهای او بر طرف گردد و به مردم نیازمند نباشد»(همان). امیر مؤمنان علیه‌السلام روزی فراوان را موجب اصلاح جامعه و ایمن ماندن بیت‌المال از گزند دستبرد دانسته و می‌فرمایند: «سپس در امور کارمندانت بیندیش و... روزی فراوان بر آنان ارزانی دار، که با گرفتن حقوق کافی در اصلاح خود بیشتر می‌کوشند و با بی‌نیازی، دست به اموال بیت‌المال نمی‌زنند و اتمام حجتی است بر آنان اگر فرمانت را نپذیرند یا در امانت تو خیانت کنند»(همان). حضرت علی علیه‌السلام در عهدنامه مالک اشتر پس از بیان حق مشخص گروه‌های گوناگون اجتماعی و بیان رابطه بین معیشت و سلامت اخلاقی حاکمان و بیان اهمیت رسیدگی به طبقه پایین جامعه پرداخته و می‌فرمایند: «خدا را! خدا را! در خصوص طبقات پایین و محروم جامعه، که هیچ چاره‌ای ندارند [و عبارتند] از زمین گیران، نیازمندان، گرفتاران، دردمندان. همانا در این طبقه محروم گروهی خویشتن‌داری کرده و گروهی به گدایی دست نیاز بر می‌دارند پس برای خدا پاسدار حقّی باش که خداوند برای این طبقه معین فرموده است. بخشی از بیت‌المال و بخشی از غلّه‌های زمین‌های غنیمتی اسلام را در هر شهری به طبقات پایین اختصاص ده زیرا برای دورترین مسلمانان همانند نزدیک‌ترین آنان سهمی مساوی وجود دارد و تو مسئول رعایت آن می‌باشی. مبادا سر مستی حکومت تو را از رسیدگی به آنان باز دارد که هرگز انجام کارهای فراوان و مهم عذری برای ترک مسئولیت‌های کوچک‌تر نخواهد بود. همواره در فکر آنان باش و از آنان روی بر مگردان به ویژه امور کسانی را از آنان بیشتر رسیدگی کن که از کوچکی به چشم نمی‌آیند و دیگران آنان را کوچک می‌شمارند و کمتر به تو دسترسی دارند. برای این گروه، از افراد مورد اطمینان خود که خدا ترس و فروتنند فردی را انتخاب کن تا پیرامونشان تحقیق و مسائل آنان را به تو گزارش کنند سپس در رفع مشکلاتشان به گونه‌ای عمل کن که در پیشگاه خدا عذری داشته باشی زیرا این گروه در میان رعیت بیشتر از دیگران به عدالت نیازمندند و حق آنان را به گونه‌ای بپرداز که در نزد خدا معذور باشی، از یتیمان، خردسال، و پیران سالخورده که راه چاره‌ای ندارند و دست نیاز بر نمی‌دارند پیوسته دلجوئی کن که مسئولیتی سنگین بر دوش زمامداران است»(نامه ۵۳).

فقر؛ نقصان در دین، سرگردانی عقل و...

فقر و تهیدستی در بین مسلمانان موجب دین گریزی و سرگردانی عقل شده و می‌تواند عامل دشمنی و عداوت در بین جامعه محسوب گردد. چنان که حضرت علی علیه‌السلام خطاب به محمد حنفیه می‌فرمایند: «ای فرزند! من از تهیدستی بر تو هراسناکم، از فقر به خدا پناه ببر، که همانا فقر، دین انسان را ناقص، و عقل را سرگردان و عامل دشمنی است»(حکمت ۳۱۹). نیز: «تهیدستی مرد زیرک را در برهان کُند می‌سازد و انسان تهیدست در شهر خویش نیز بیگانه است»(حکمت ۳). همچنین: «ثروتمندی در غربت چون در وطن بودن و تهیدستی در وطن غربت است»(حکمت ۵۶). امیر مؤمنان علیه‌السلام تنگدستی را مایه لکه‌دار شدن شخصیت دانسته و این چنین دعا می‌نمایند: «خدایا آبرویم را با بی‌نیازی نگهدار و با تنگدستی شخصّت مرا لکه‌دار مفرما، که از روزی خوران تو روزی خواهم و از بدکاران عفو و بخشش طلبم!» (خطبه ۲۲۵). امیر مؤمنان علیه‌السلام فقر را به نوعی بلا و آن را به مثابه مرگ داسته و می‌فرمایند: «فقر مرگ بزرگ است»(حکمت ۱۶۳). نیز: «آگاه باشید که فقر نوعی بلا است»(حکمت ۳۸۸).

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی سالیانه نوبت اول
شرکت تعاونی کشاورزی گاوداران شهرضا با شماره شناسه۱۰۲۶۰۰۴۶۸۲۱ و شماره ثبت۱۸۳

به اطلاع اعضا این شرکت میرساند که بر اساس مصوب جلسه شماره۸۲۰ مورخ۱۴۰۱/۱۱/۰۸ هیأت مدیره، مجمع عمومی عادی نوبت اول شرکت ساعت ۱۰صبح روز دوشنبه به تاریخ ۱۴۰۱/۱۱/۲۴در محل تالار زمرد واقع در خیابان شهید چاووشی، فرعی ۲۰برگزار خواهد شد. از کلیه اعضای شرکت تعاونی گاوداران شهرضا دعوت می شود با در دست داشتن مدرک عضویت (دفترچه عضویت) در تاریخ و ساعت تعیین شده در محل یادشده حضور بهم رسانند. در ضمن اعضاء میتوانند از ده روز پیش از تشکیل مجمع عمومی در دفتر کار شرکت حاضر و اطلاعات لازم را در خصوص گزارش هیأت مدیره، بازرسان و ترازنامه و حساب سود و زیان و هر گونه حساب های دیگر کسب نمایند. همچنین در صورتی که حضور عضوی در مجمع عمومی به عللی میسر نباشد میتواند حق رأی خود را به موجب وکالتنامه به عضو دیگری در محل دفتر شرکت و حداکثر تا روز قبل از برگزاری مجمع واگذار نماید در این صورت هیچ عضوی نمیتواند علاوه بر رأی خود بیش از سه رأی وکالت داشته باشد. همراه داشتن وکالتنامه و مدرک عضویت وکالت دهنده الزامی است.
دستور جلسه : (۱)- استماع گزارش مدیرعامل، بازرسان وهیأت مدیره ، (۲)- بررسی و تصویب ترازنامه ،سود و زیان و صورت های مالی سال ۱۳۹۹ و۱۴۰۰ ، (۳)- بودجه سال ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ ، (۴) - انتخاب اعضا هیئت مدیره اصلی و علی البدل برای مدت ۳ سال ، (۵) - انتخاب بازرسان شرکت برای مدت ۱ سال
هیأت مدیره شرکت تعاونی کشاورزی گاوداران شهرضا

«آگهی فقدان سند مالکیت»
۱۴۰۱/۱۱/۸ ۶۰۱۲۱۵۱
آقای محمد فیضی با ارائه یکبرگ استشهاد محلی که به تائید دفتر گواهی امضاء دفتر ۵۳ بانه رسیده مدعی است که سند مالکیت ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه دارای پلاک ۵۴ فرعی از ۲ فرعی از ۱۱۸۳- اصلی واقع در قطعه ۲، بخش ۷ شهرستان بانه که سند مالکیت آن به نام ایشان صادر و تسلیم گردیده است براثر سهل‌انگاری مفقود گردیده است لذا به استناد اصلاح تبصره یک اصلاحی ماده ۱۲۰ آئین‌نامه قانون ثبت واصلاحیه‌های بعدی آن مراتب در یک نوبت آگهی می‌شود تا هرکس مدعی انجام معامله می‌باشد ظرف مدت ۱۰ روز پس از انتشار آگهی مراتب را کتباً به این اداره اعلام و در غیراینصورت برابر مقررات جاری المثنی سند مالکیت مذکور به نام متقاضی صادر خواهد شد. م الف ۱۳۷
کیوان محمودی ـ رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان بانه

آگهی فقدان سند
خانم مریم نساجی با تسلیم دو برگ استشهاد گواهی شده دفترخانه ۸۳ ماهشهر مدعی است که سند مالکیت ششدانگ پلاک باقی‌مانده ۱۱/۲۶۴ واقع در بخش ده/۱۰ ماهشهر در صفحه ۵۲ دفتر ۴ ذیل ثبت ۵۶۸ بنام ایشان ثبت و سند مالکیت صادر و تسلیم گردیده و برابر اسناد - دفترخانه - اهواز نزد - رهن است که بعلت جابه‌جایی مفقود گردیده لذا بدستور تبصره یک اصلاحی ماده ۱۲۰ آئین‌نامه قانون ثبت اطلاع عموم یک نوبت آگهی می‌شود که هرکس مدعی انجام معامله یا وجود سند مالکیت نزد خود می‌باشد می‌تواند ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشار این آگهی اعتراض خود را به این اداره تسلیم دارد و در غیراینصورت پس از سپری شدن قانونی و عدم واخواهی سند مالکیت المثنی بنام مالک صادر خواهد شد. م الف: ۱۶/۱۸۱
موسوی‌فرد ـ رئیس ثبت شهرستان ماهشهر

آگهی مزایده عمومی مرحله چهارم - نوبت دوم
شهرداری بندرماهشهر به استناد موافقت‌نامه شماره ۱۱۲۸/ش مورخ ۱۴۰۱/۰۷/۱۹ شورای اسلامی شهر چهار دستگاه یونیت هوایی یکپارچه به ظرفیت اسمی ۸۰ تن تبرید را با شرایط زیر از طریق مزایده عمومی به فروش می‌رساند.
۱ - قیمت پایه ۲۴/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال جهت کلیه دستگاه‌ها می‌باشد.
۲ - اسناد مزایده از مورخ ۱۴۰۱/۱۱/۱۷ تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۱/۱۱/۲۴ در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به نشانی setadiran.ir و پاکت در مورخ ۱۴۰۱/۱۲/۰۴ به امور قراردادها تحویل می‌گردد. بازگشایی پاکت‌ها مورخ ۱۴۰۱/۱۲/۰۷ می‌باشد.
۳ - پیشنهاددهندگان می‌بایست تضمین شرکت در مزایده ۵٪ مبلغ اولیه (۱/۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال) را به یکی از دو طریق زیر ارائه نمایند:
الف - فیش واریز مبلغ به حساب سیبا ۰۱۰۵۲۹۴۱۶۷۰۰۳ شهرداری بندر ماهشهر نزد بانک ملی شعبه شهرداری بندر ماهشهر.
ب - ضمانت‌نامه بانکی به نام شهرداری بندرماهشهر و به مدت سه ماه از تاریخ افتتاح پیشنهادها.
۴ - پرداخت هزینه روزنامه، هزینه کارشناسی و نقل و انتقال سند به عهده برندگان مزایده می‌باشد.
۵ - از تاریخ ۱۴۰۱/۱۱/۱۷ دستگاه موردنظر از ساعت ۸ صبح لغایت ۱۳ در واحد تاسیسات شهرداری بندرماهشهر واقع در انتهای خیابان طالقانی آماده بازدید می‌باشد.
۶ - به پیشنهادهای مخدوش، مبهم و زیر قیمت پایه ترتیب اثر داده نخواهد شد.
۷ - شهرداری در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادها مختار است.
۸ - متقاضیان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر در ساعات اداری با شماره تلفن ۱۶-۵۲۳۳۹۱۱۴-۰۶۱ تماس و یا به آدرس www.mahshahr.ir مراجعه نمایند.
حسین صفری ـ شهردار بندر ماهشهر

آگهی فقدان سند
آقای مصطفی رفیعیان با تسلیم دو برگ استشهاد گواهی شده دفترخانه ۸۳ ماهشهر مدعی است که سند مالکیت ششدانگ پلاک ۱/۱۹۳۹ واقع در بخش ۶/شش اهواز در صفحه ۱۸۸ دفتر ۵ ذیل ثبت ۹۵۳ بنام ایشان ثبت و سند مالکیت صادر و تسلیم گردیده برابر اسناد ۸۶۲۳۰- ۷۰/۹/۱۸ دفترخانه ۲۶ ماهشهر نزد بانک ملی ایران رهن است که بعلت جابه‌جایی مفقود گردیده لذا بدستور تبصره یک اصلاحی ماده ۱۲۰ آئین‌نامه قانون ثبت مراتب جهت اطلاع عموم یک نوبت آگهی می‌شود که هرکس مدعی انجام معامله یا وجود سند مالکیت نزد خود می‌باشد می‌تواند ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشار این آگهی اعتراض خود را به این اداره تسلیم دارد و در غیراینصورت پس از سپری شدن قانونی و عدم واخواهی سند مالکیت المثنی بنام مالک صادر خواهد شد. م الف: ۱۶/۱۸۲
موسوی‌فرد ـ رئیس ثبت شهرستان ماهشهر

آگهی فقدان سند
خانم مریم نساجی با تسلیم دو برگ استشهاد گواهی شده دفترخانه ۸۳ ماهشهر مدعی است که سند